

راهنمای زبان‌های ایرانی

جلد اول: زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه، ۱۳۸۲، جلد دوم: زبان‌های ایرانی نو، ۱۳۸۳، ویراستار رودیگر اشمیت، ترجمه فارسی زیر نظر حسن رضائی باغبیدی، مترجمان: آرمان بختیاری، عسگر بهرامی، حسن رضائی باغبیدی، نگین صالحی‌نیا، انتشارات ققنوس

این دو جلد ترجمه کتاب *Compendium Linguarum Iranicarum* است که در یک مجلد در سال ۱۹۸۹ توسط انتشارات رایشرت منتشر شده است. گرچه حدود ۲ سال از انتشار ترجمه کامل کتاب به زبان فارسی و تقریباً ۱۷ سال از چاپ اصل کتاب می‌گذرد، با توجه به اهمیت آن در مطالعات گویشها و زبان‌هایی ایرانی، نگارنده این سطور تصمیم به معرفی و نقد ترجمه و اصل کتاب مزبور گرفت. کتاب مزبور در چهار بخش تنظیم شده است:

۱. مقدمات (شامل مفهوم و نام زبان‌های ایرانی و دوره پیش از تاریخ زبان‌های ایرانی)

۲. دوره زبان‌های ایرانی باستان

۳. دوره ایرانی میانه

۴. دوره ایرانی نو

در ترجمه فارسی، ۳ بخش اول در جلد اول، و بخش آخر در جلد دوم به چاپ رسیده است. اصل مقالات به سه زبان آلمانی، انگلیسی و فرانسوی است. البته بیشتر مقالات سه بخش آغازین به زبان آلمانی است، ولی در بخش ۴ (یعنی دوره ایرانی نو) تنها یک مقاله به زبان آلمانی است و بیشتر مقالات دیگر در درجه اول به فرانسوی و سپس انگلیسی نوشته شده است.

معمولاً زبان‌شناسانی که متأثر از آراء و عقاید چامسکی هستند در کلاسهای مقدماتی زبان‌شناسی بر این نکته پای می‌فشارند که زبان‌دان با زبان‌شناس فرق دارد و زبان‌شناس لزومی ندارد با زبان‌های زیادی آشنایی داشته باشد، ولی در عمل می‌بینیم کسانی در حوزه زبان‌شناسی و

به خصوص ایران‌شناسی موفق‌ترند که زبان‌های بیشتری بدانند و به منابع دست اول بیشتری به زبان اصلی دسترسی داشته باشند. متأسفانه به این امر در محافل زبانشناسی داخل کشور بهای چندانی داده نمی‌شود و دانشجویان رشته زبان‌شناسی معمولاً به یادگیری یک زبان خارجی که آن هم انگلیسی است اکتفا می‌کنند. شاید برای فراگیری مباحث نظری، زبان انگلیسی کافی باشد، ولی برای زبان‌شناس شدن و به خصوص ایران‌شناس شدن یک زبان خارجی کافی نیست؛ کتاب مورد بررسی نیز که به چند زبان نوشته شده مؤید همین مطلب است. به همین علت نگارنده این سطور معتقد است افرادی که به مطالعه دوره‌های میانه و باستان علاقه دارند، برای موفقیت بیشتر در کار خود، باید بعد از یادگیری زبان انگلیسی، یادگیری زبان آلمانی را در اولویت خویش قرار دهند و در صورتی که محققان به دوره ایرانی نو علاقه‌مند هستند شاید بهتر باشد فرانسوی را قبل از آلمانی و روسی بیاموزند. در هر صورت برای پیشرفت در مطالعات ایران‌شناسی آشنایی با زبان‌های انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، روسی و عربی جزء مسلمات تحقیق است، از این روی پیشنهاد می‌شود حداقل در آزمون دکترای رشته زبان‌شناسی این نکته مورد توجه قرار گیرد و مانند گذشته داوطلبان علاوه بر زبان انگلیسی، ملزم به پاسخگویی به سؤالاتی به یکی از زبان‌های آلمانی، فرانسوی، روسی یا عربی شوند. البته در اینجا منظور نگارنده این سطور اصلاً این نیست که کتابها نباید به فارسی ترجمه شود، بلکه برعکس علم زبان‌شناسی و شعبه‌های مختلف آن باید بومی شود و یکی از راههای رسیدن به این هدف ترجمه کتابهای مهم این رشته است؛ ولی چون ترجمه کتاب زمان‌بر است، اگر ما تنها به ترجمه تکیه کنیم مطمئناً بیش از پیش از محافل علمی جهان عقب خواهیم ماند.

به نظر نگارنده کتاب راهنمای زبان‌های ایرانی به علت مشخصه‌های منحصر به فرد آن از جمله کتابهای ماندگار خواهد بود. ویراستار ترجمه فارسی کتاب نیز به خوبی به این مطلب پی برده است و با کمک مترجمان سخت‌کوشی دست به ترجمه این کتاب زده است. در واقع به دست دادن ترجمه‌ای یک‌دست برای کتابی که به چند زبان نوشته شده و همه متون آن کاملاً تخصصی است کاری بس سترگ است و جای تقدیر بسیار دارد.

همان‌طور که در متن کتاب و مقدمه رودیگر اشمیت بر ترجمه فارسی کتاب آمده است (ص ۸)، کلمه ایران در «ایران‌شناسی» و «زبان‌های ایرانی» تنها ناظر به کشور کنونی ایران و محدوده جغرافیایی آن نیست. ایران‌شناسی در برگیرنده گستره جغرافیایی وسیعی به همراه ملل و اقوام ساکن در آنهاست که همگی تحت نفوذ فرهنگ، تمدن و زبان/زبان‌های ایرانی بوده‌اند؛ از شرق تا شبه قاره هند، از غرب تا عمق خاک ترکیه، از شمال تا منتهی‌الیه قفقاز و از جنوب تا آن سوی خلیج فارس تا شبه جزیره

مَسْنَدِ عَمَان. بنابراین تعجبی ندارد که کتاب مورد بحث ما زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی این منطقه وسیع را مورد توجه قرار دهد. البته این اولین و آخرین کتابی نیست که در زمینه زبان‌ها و گویشهای ایرانی نوشته شده است. ما منابع متعددی در این زمینه در دست داریم که تعدادی از آنها به زبان فارسی ترجمه شده‌اند. مهمترین منابع موجود در مورد زبان‌ها و گویشهای ایرانی به زبان فارسی عبارت‌اند از: زبان‌های ایرانی، تألیف یوسیف م. آرانسکی، ترجمه علی‌اشرف صادقی، ۱۳۷۸، انتشارات سخن. مقدمه فقه‌اللغه ایرانی، نوشته م. آرانسکی، ترجمه کریم کشاورز، چاپ دوم، ۱۳۷۹، انتشارات پیام. تکوین زبان فارسی، تألیف علی‌اشرف صادقی، ۱۳۵۷، انتشارات دانشگاه آزاد ایران. راهنمای زبان‌های باستانی ایران، دو جلد، تألیف محسن ابوالقاسمی، ۱۳۷۶-۱۳۷۵، انتشارات سمت. نوشته‌های پرویز خانلری در جلد اول کتاب تاریخ زبان فارسی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴، نشر سیمغ. مقاله احسان یارشاطر در مقدمه لغت‌نامه دهخدا با عنوان «زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی». مقاله ابراهیم پورداود در دیباچه جلد اول برهان قاطع با عنوان «زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی (پارسی باستان، اوستا و پهلوی)»، چاپ ششم، ۱۳۷۶، انتشارات امیرکبیر. مقاله‌های محمد معین در مقدمه برهان قاطع با عنوان «دیگر زبان‌های ایرانی»، و «لهجه‌های ایرانی»، چاپ ششم، ۱۳۷۶، انتشارات امیرکبیر.

مجموعه مقالات کتاب راهنمای زبان‌های ایرانی دارای مزایایی است که بدون شک می‌تواند مکمل و در بعضی موارد جایگزین منابع فوق‌الذکر باشد و لازم است محققان و متخصصان در مطالعات خویش در مورد زبان‌های ایرانی هیچ‌گاه از آن غفلت نکنند.

در کتاب راهنمای زبان‌های ایرانی جدیدترین یافته‌ها در مورد زبان‌های ایرانی (تا زمان انتشار کتاب)^۱ توسط متخصصان هر رشته در مقالات کتاب آمده است. در پایان هر مقاله، فهرست جامع و جدیدی از منابع در مورد زبان‌های ایرانی وجود دارد. البته همان‌طور که می‌دانیم در بسیاری از تحقیقات محققان ایرانی داخل کشور به دلیل عدم دسترسی به مقالات ایران‌شناسان خارج از کشور، از یافته‌های این محققان کمتر استفاده شده است؛ عکس این امر نیز در این کتاب صادق است، یعنی ایران‌شناسان برون مرز و متخصصان زبان‌های ایرانی در بعضی موارد دست‌آوردهای محققان ایرانی را شاید باز هم به دلیل عدم دسترسی به مقالات داخل کشور نادیده گرفته‌اند. مورد اخیر به خصوص در مقالات مربوط به زبان‌های ایرانی نو قابل مشاهده است. متخصصان زبان‌های مختلف سعی نموده‌اند به طور اجمالی زبان‌های ایرانی را به همراه مشخصه‌های ممیز هر یک

۱. البته بعد از چاپ این مجموعه مقالات پیشرفتهای دیگری نیز در زمینه مطالعات زبان‌های ایرانی صورت گرفته است. بسیاری از اطلاعات آماری نیز تغییر کرده است. برای برطرف کردن نقیصه‌های فوق، رودیگر اشمیت در سال ۲۰۰۰ مبادرت به تألیف کتابی با عنوان زبان‌های ایرانی در گذشته و حال نمود. نگارنده این سطور قبلاً کتاب مزبور را در شماره ۶ مجله نامه ایران باستان (۱۳۸۲) معرفی نموده است.

معرفی کنند. شیوه ارائه مطالب بسیار جالب است و به لحاظ روش شناختی نیز بسیار آموزنده است. می‌دانیم از جمله اطلاعات مهمی که باید در هر تحقیق در مورد گویشها و زبان‌های مختلف گنجانده شود، اطلاعاتی کلی از قبیل تعداد سخنگویان، مکان (و در مورد زبان‌های مرده) زمان و سیر تاریخی تحول آنها، نظام واجی و خصوصیات صرفی و نحوی مهم و توضیحاتی در مورد واژگان هر زبان است. علاوه بر این باید در توضیحات حتماً به خصوصیتی که یک زبان یا گویش را از زبان یا گویش دیگر متمایز می‌سازد اشاره شود. به عبارت دیگر باید مرزهای زبانی isogloss (در ترجمه این کتاب از اصطلاح همگویی استفاده شده) به طور صریح مشخص شود. در اکثر مقالات این مجموعه، اطلاعات فوق به صورت نظام‌مند و با همین ترتیبی که ذکر شد آمده است. در آثار مشابه دیگر کمتر به صورت نظام‌مند به موارد فوق پرداخته شده است و مخصوصاً نظام واجی زبان‌ها و گویشهای ایرانی به طور دقیق و صریح مشخص نشده است. البته به نظر نگارنده در بعضی مواضع توضیحاتی که در مورد نظامهای واجی به دست داده شده است خالی از اشکال نیست. مثلاً پیر لکوک برای گویشهای تفرش تا ۱۴ مصوت (ص ۵۱۸)، و گویش اردستانی تا ۱۶ مصوت (ص ۵۳۱) در نظر گرفته است. این امر با خصوصیات واجی بسیاری از زبان‌های ایرانی غربی در تناقض است. در تحقیقی که نگارنده و فنایی در مورد زبان‌ها و گویشهای ایرانی غربی انجام داده‌ایم مشخص شد که نظامهای ۹ و ۱۰ مصوتی دارای بیشترین وقوع در زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی غربی هستند. این احتمالاً به این معناست که محققانی چون لکوک در استخراج واجها دچار اشتباه شده‌اند و واج‌گونه‌ها را نیز در مقام واج ثبت کرده‌اند. در اینجا باید این نکته جالب توجه را نیز یادآوری کنیم که فارسی نو نیز با داشتن ۶ مصوت ساده نمونه خوبی برای توضیح خصوصیات واجی زبان‌ها و گویشهای ایرانی غربی نیست.^۱

بررسی انتقادی ترجمه

یکی از اشکالات مهم ترجمه‌ها یکدست نبودن معادلهای فارسی و در مواردی اشتباه بودن آنهاست. در زیر چند مورد از این اشکالات را ذکر می‌کنیم. لازم به ذکر است نقائص و کاستیهای زیر عمدتاً با مقایسه عناوین قسمتهای مختلف مقالات با ترجمه‌ها به دست آمده است و شواهد به دست داده شده کمتر از متن مقالات است:

برای اصطلاح morphology/Morphologie گاهی از معادل ساختواژه (ص ۲۳۵، ۶۷۷، ۶۹۸ و جز آن)، و زمانی از کلمه صرف (ص ۹۰، ۲۸۶، ۲۹۰، ۳۳۸) استفاده شده است؛ از

۱. برای اطلاعات بیشتر رک. مقاله نغزگوی کهن و فنایی با عنوان «استفاده از رده‌شناسی واجی لهجه‌های ایرانی در مقام شاهی برای تحول نظام واکه‌ای فارسی جدید» در مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران، به کوشش دکتر مصطفی عاصی، ۲۳ و ۲۴ اسفند ۱۳۸۴.

اصطلاحات خیشومی و غنه‌ای به تناوب استفاده شده است (البته کاربرد غنه‌ای بیشتر است): غنه‌ای‌ها (ص ۸۶، ۷۲۹ و جز آن)؛ خیشومی (ص ۲۳۱)، خیشومی شدگی (ص ۶۶۶)؛ برای کلمه phonology/phonologie بیشتر معادل آواشناسی به کار برده شده است که غلط است (ص ۴۷۹، ۶۳۶ و موارد متعدد دیگر). گرچه در زبان‌شناسی تاریخی سنت بر این است که به جای تغییر واجی از اصطلاح تغییر آوایی استفاده شود، ولی این کار در گویش‌شناسی درست نیست، به خصوص زمانی که خود نویسنده از اصطلاحات phonology و phonemic/phoneme استفاده می‌کند. از طرف دیگر در موضعی نیز برای کلمه‌ای چون la phonétique از معادل آواشناسی استفاده شده (مثل ص ۷۸) که درست است. در صفحات ۳۲۶ و ۳۲۷ نیز برای vowel phonemes و consonant phonemes معادلهای مصوتها و صامتها در نظر گرفته شده است که دقیق نیست و به جای آنها باید از مصوت - واجها و صامت - واجها استفاده کرد؛ برای اصطلاح Kontraktion/contraction گاهی معادل ادغام (ص ۳۲۹) به کار رفته و گاهی کاهش (ص ۱۳۰).

در چند مورد نیز معادلهای به کار گرفته شده با وجود درست بودن متداول نیست یا غیر شفاف است و به علت نبود واژه‌نامه ایجاد ابهام می‌کند. مثلاً: اتحادیهٔ زبانی (ص ۶۹۰) Sprachbund؛ اتصاف (ص ۶۱۴) attribution؛ معرفه و نکره (ص ۶۱۳) determination؛ جملهٔ مختلط (ص ۴۶۴) la phrase complexe؛ نشانه‌های خطی/علامین خطی (ص ۳۲۴) akşaras. به نظر نگارنده اگر یک واژه‌نامهٔ فارسی به انگلیسی/آلمانی/فرانسه برای دو مجلد فارسی در نظر گرفته می‌شد، اکثر مشکلات فوق به راحتی قابل حل می‌بود و یکدستی متون نیز بیشتر می‌شد. جای فهرست معادلهای نامهای خاص (چه نام زبان‌ها، چه نام نویسندگان و چه نام مکانهای جغرافیایی) نیز در کتاب خالی است. اگر نویسندهٔ ایرانی که به اصل کتاب دسترسی ندارد بخواهد مطلبی را مثلاً به انگلیسی بنویسد، و به مقالات این کتاب ارجاع دهد با نبودن این ضمام و نداشتن اسم اصل مقالات به زبان اصلی به در دسر فراوانی خواهد افتاد. در این مورد گزیدهٔ کتاب‌شناسی که در آخر هر مقاله آمده است، کمک کمی به نویسندهٔ ایرانی می‌کند.

علی‌رغم موارد ذکر شده، دو جلد ترجمهٔ فارسی مذکور بسیار اطلاع‌دهنده است و خلاء بزرگی را در زمینهٔ زبان‌های ایرانی پر می‌کند. به نظر نگارندهٔ این سطور کتاب حاضر علاوه بر اینکه از جمله منابع مهم برای محققان رشتهٔ زبان‌ها و فرهنگهای باستانی به شمار می‌آید، می‌تواند به عنوان مأخذی مهم و قابل اعتماد در دروس تاریخچهٔ زبان‌های ایرانی و تطور زبان فارسی رشتهٔ زبان‌شناسی همگانی در مقطع کارشناسی ارشد مورد استفاده قرار بگیرد. در پایان برای ویراستار این مجموعه و مترجمان آن آرزوی موفقیت می‌کنیم.

دکتر مهرداد نغزگوی کهن (دانشگاه بوعلی سینا)

مرکز نشر دانشگاهی منتشر کرده است.

این راه بی نهایت

این راه بی نهایت

واژه‌ها، واژه‌نامه و فرسنگ ترکیبات، تمیزات و اصطلاحات دیوان حافظ

این راه بی نهایت

واژه‌ها، واژه‌نامه و فرسنگ ترکیبات، تمیزات و اصطلاحات دیوان حافظ

جلد اول



تیر و دومین
برام اشتری

مرکز نشر دانشگاهی